

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

سولماز بهرننگ/ پژمان رحیمی

۲۹ نومبر ۲۰۱۱

حکایت دلدادگی و خیانت فمینیست های اسلامی ایران و ترکیه به حاکمیت "اسلام معتدل"
(اشاره ای به خشونت قانونی علیه زنان در ترکیه تحت حاکمیت حزب نئولیبرال-اسلامی "عدالت و توسعه")
به مناسبت فرارسیدن ۲۵ نوامبر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان

مقدمه

مناسبت ۲۵ نوامبر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان دوباره فرصتی فراهم کرد تا با تأکید بیشتری به مسأله زن و به خصوص به خشونت سیستماتیک سرمایه داری مردسالار علیه زنان بپردازیم. گرایشات راست گرای فمینیستی در ایران و تشکلاتی که آنان را نمایندگی می کنند امسال هم تلاش می کنند به روال گذشته هژمونی خود را تقویت کنند و خلاف ادعای "غیر سیاسی" بودن، تحرکات ویژه ای جهت "سیاست زدائی" از مقوله فمینیسم در جهت جا انداختن "سیاست" خاص خود تا کنون داشته اند. کمپین یک میلیون امضاء که از همان ابتدای شکل گیری آش با شرکت بخشی از نیروهای جناح اصلاح طلب حکومتی سازمان پیدا کرد، هدف "قانون گذاری" برای رفع نابرابری "حقوقی" زنان را با تاکتیک لابی گری با حاکمیت جمهوری اسلامی به عنوان راهکاری "معقول" و "امکان پذیر" در پیش روی خود قرار داد و با طرح ادعای "غیرسیاسی" بودن و به بهانه جولان در فضای "جامعه مدنی" در پرتو قوانین موجود، در واقع هدفش سرکوب و تخطئه کردن گرایشات رادیکال بالقوه درونی جنبش زنان بود که خودش را پشت ادعای "غیرسیاسی" بودن پنهان می کرد. بعد از شکست آشکار این رویکرد و سرکوب مردم به جان آمده بعد از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، این گرایش عمده لیبرال-اسلامی فمینیستی اکنون تناقضات خود را آشکارتر کرده است و خود را حول اهداف اپوزیسیون و پوزیسیون نئولیبرال جمهوری اسلامی بازسازی می کند. اگر چه اهداف سیاسی آنان قابل تشخیص بود اما تحولات کنونی منطقه خاورمیانه و تشدید سرکوب ها در ایران این شرایط را فراهم کرده است که پرده از پروژه های اصلی و تمایل واقعی این دست از فعالان فمینیست برافند. ادعای "غیرسیاسی" بودن رنگ باخت و بعد از سمپاتی جانانه پوزیسیون "سبز" جمهوری اسلامی، اکنون در نقش جاده صاف کن نیروهای نظامی بین المللی، به توجیه عملکرد امپریالیسم و تجویز "داخلت بشردوستانه" مشغول شده اند. این محک تاریخی نشان داد که "سیاست زدائی" خود دقیقاً سیاستی است که نباید خنثا

نگریسته شود و تلاش برای تشخیص سمت گیری سیاسی-اقتصادی آن باید به دقت پیگیری شود. سیاست زدائی از عرصه های مبارزاتی مردم ستمدیده و همچنین سیاست پوپولیستی، دو روی سکه محافظه کاری هستند که اکنون در راستای برنامه نئولیبرالیسم سیاسی-اقتصادی-نظامی نمود و کارکردی آشکار و بی تردید دارند. وجه مشترک نیروهای لیبرال، نئولیبرال، رفرمیست و سکولار-رفرمیست ایرانی تلاش برای تضمین حیات سرمایه داری در چهارچوب منافع سرمایه داری جهانی در منطقه جغرافیائی ایران است و در این میان آنان گزینه «ترکیه» را دست یافتنی تر می دانند. دیگر بر همه آشکار است که «مدل ترکیه» (سرمایه داری اسلام سبز و معتدل) از سوی این نیروها یکی از بهترین گزینه ها است و پیدا و پنهان همواره مورد ارجاع آنان قرار می گیرد. از مصطفی تاجزاده، اکبر گنجی، ملی-مذهبی ها و فرزند شیخ کروی گرفته تا فرخ نگهدار و سکولارهایی همچون کاظم علمداری و نوشابه امیری همگی "مدل ترکیه" را آشتی دهنده اسلام معتدل و دموکراسی (بخوانید: سرمایه داری!) می دانند و به عنوان معادله البته اثبات نشده، آن را برای فرمول بندی و تحلیل سیاسی از اوضاع کنونی ایران به کار می گیرند (۱). فمینیست های نئولیبرال-اسلامی ایرانی که فرآیند ظهورشان را اندکی اشاره کردیم هم در همین چهارچوب حیات سیاسی خود را دارند و تئوری "فمینیسم اسلامی" که مورد دفاع آنان بوده و اکنون هم مورد تأکید قرار می گیرد (به خصوص با سخنگویی شیرین عبادی) خودش را بر ادعای تفسیری معتدل تر از اسلام استوار می کند و مدعی است که با درکی معتدل تر از اسلام می تواند خواسته های زنان را در چهارچوب نظم سیاسی کنونی و با نرمش بیشتر "مردان سیاست" برآورده کند (۲). خوب مشاهده کردیم که طومار نویسی به نمایندگان مجلس شورای اسلامی و گدائی حقوق زنان از علمای اسلامی کارش به توجیه "عشق آزاد" از نوع "بشردوستانه" با مهریه حمله نظامی ناتو انجامید اما آفتاب زیر ابر پنهان نماند و آشکار شد که دغدغه اصلی و هدف از طرح مقولاتی همچون «نسبیت گرایی فرهنگی»، «فمینیسم بومی-اسلامی» و... همگی در راستای ایجاد نظم و تعادل سیاسی هماهنگ با کارکرد نئولیبرالیستی سرمایه در چهارچوب منافع سرمایه داری جهانی در منطقه خاورمیانه بوده است و در این راه «مدل ترکیه» کعبه آمال این نیروها است. به این ترتیب بررسی «مدل ترکیه» با این مقدمه در دستور کار ما گرفته است و تلاش می کنیم احوال "فمینیسم اسلامی" را در ترکیه کنونی که قطب نمای نیروهای سیاسی ایرانی مذکور قرار گرفته است را به اجمال بررسی کنیم و نشان بدهیم که چگونه فمینیسم اسلامی نه تنها از عملکرد حزب نئولیبرال-اسلامی "عدالت و توسعه" (AKP) در ترکیه دلسرد و ناامید شده است بلکه به خیانت به آرمان "سرمایه داری سبز اسلامی" هم متهم می شود!! در این نوشته مختصر ما به صورت فشرده خلاصه ای از تأثیرات حاکمیت "اسلام معتدل" بر حقوق زنان و به خصوص نقش آن در تقویت خشونت دولتی علیه زنان در ترکیه را نشان خواهیم داد.

خشونت قانونی علیه زنان در ترکیه تحت حاکمیت حزب نئولیبرال-اسلامی "عدالت و توسعه"

در عرض نُه سالی که از به قدرت رسیدن حزب نئولیبرال-اسلامی "عدالت و توسعه" از سال ۲۰۰۲ تغییر مهمی در دیدگاه دولت و نهادهای دولتی نسبت به زنان به وجود آمد که یکی از مشخص ترین نشانه هایش این است که "حجاب" که از دهه ۱۹۲۰ به دنبال پروژه مدرنیزاسیون کمالیستی در اماکن عمومی و دولتی قدغن بود اکنون در کاخ ریاست جمهوری هم دیده می شود. ایدئولوژی محافظه کار حزب حاکم که از سوی آنان به عنوان "اسلام معتدل" نامیده می شود باعث شد مردسالاری و خشونت علیه زنان که در جامعه ترکیه ریشه های عمیقی داشت گسترده تر و شدیدتر شود.

خشونت علیه زنان و زن‌کشی: زن‌کشی (femicide) عنوان جامعه‌شناختی است که به قتل سیستماتیک زنان با علت‌های مختلف در ارتباط با جنسیت زنان تعیین شده است. کشتار زنان از سوی مردان که بیشتر به عنوان "قتل ناموسی" از آن نام برده می‌شود در طول هفت سال اخیر که حزب "عدالت و توسعه" در قدرت بوده است ۱۴۰۰ درصد (۱۴ برابر) افزایش پیدا کرده است. طبق آمارهای وزارت دادگستری در سال ۲۰۰۲ که حزب عدالت و توسعه به قدرت رسید آمار زنان کشته شده ۶۶ نفر بود و در هفت ماه اول سال ۲۰۰۹ این آمار به ۹۵۳ نفر رسید. (۳) اگر در نظر بگیریم که در طول این مدت افزایش قتل‌های زنان در کل جهان تنها ۱۰ درصد بود به این نتیجه می‌رسیم که این افزایش آمار در ترکیه از عوامل کلی پیروی نمی‌کند بلکه از عوامل سیاسی-اجتماعی در شرایط وقت ترکیه متأثر بوده است. این قتل‌ها بیشتر از سوی نزدیکان، خانواده، همسران و همسران سابق زنان صورت می‌گیرد. بهانه‌های رایج برای ارتکاب به این گونه قتل‌ها خیانت و یا شبهه خیانت، درخواست طلاق، متارکه، رعایت نکردن شئون اخلاقی و... است. «با عشوہ ساعت پرسیدن از مردان»، «زیادی حمام کردن»، «درخواست ترانه‌های عاشقانه از رادیو»، «صحبت کردن با پسران»، و حتا «بی‌نمک درست کردن ماکارونی» از جمله "دلایل" مردان قاتل بوده که در دفاعیاتشان در دادگاه‌ها ارائه شده و در رسانه‌ها هم بازتاب پیدا کرده است. (۴) افزایش خشونت علیه زنان در دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه به قتل زنان محدود نمی‌شود بلکه تجاوز و آزار جنسی نیز افزایش یافت. طبق آمار مرکز مطالعات ترکیه در فاصله ۵ سال (۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰) جرایم جنسی ۳۰ درصد افزایش پیدا کرده است. بیش از صد هزار زن مورد آزار جنسی و تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند. با توجه به این که ۴۰ درصد این زنان از روی ترس شکایتی نمی‌کنند، آمار واقعی از این میزان خیلی بیشتر است.

«عدالت» زن ستیز حزب "عدالت و توسعه": دلایل عمده رشد خشونت علیه زنان روش‌های زن ستیز دادگستری و پولیس و همچنین بی‌توجهی حکومت است که این قتل‌ها را به عنوان "حوادث استثنائی" و منفردی که به سیستم قانونی ارتباطی ندارد تلقی می‌کنند. طبق خبرهایی که در رسانه‌ها انعکاس یافته است خیلی از زنانی که کشته شده‌اند مخصوصاً آن‌هایی که طلاق گرفته بودند قبل از کشته شدن از پولیس تقاضای حمایت کرده بودند ولی به آنان توجهی نشده بود. و همین‌طور بسیاری از زنانی که به پولیس یا خانه‌های امن مراجعه کرده بودند با بی‌توجهی پولیس روبه‌رو شدند و بعد از به‌خانه بازگردانده شدن از سوی پولیس، کشته شدند. در بسیاری از اسناد و گزارش‌ها مثلاً در گزارش اتحادیه اروپا درباره وضعیت ترکیه که در ۱۴ اکتبر ۲۰۱۱ منتشر شد عنوان شده است که بسیاری از زنانی که هدف خشونت قرار گرفته‌اند گفته‌اند که پولیس به جای حمایت از آنان، سعی به افتتاح آنان برای بازگشتن به خانه کرده است و قاضی‌ها در صدور قرارهای حمایتی اهمال می‌کنند. خانه‌های امن هم تعدادشان کم است و هم درجه امنیت پائینی دارند و همچنین زنان را تنها برای سه ماه می‌پذیرند و نیز مقررات سختی برای پذیرش زنان خشونت دیده دارند و به این صورت در عمل برای زنان راه حل مناسبی نیستند. در ماه جولای ۲۰۱۱ در یک جلسه که با شرکت فعالان فمینیست برگزار شد و از حکومت برای بهبود شرایط خانه‌های امن درخواست کمک کردند، از طرف اردوغان مورد حمله و شماتت قرار گرفتند. اردوغان گفت: "من از طرح پیشنهادی خانه‌های امن بدم می‌آید، زنان تُرک پناه نمی‌آورند!!". در کلام اردوغان ملی‌گرایی حماسی و زن ستیزی سیستماتیک به هم پیوند می‌خورد.

تبصره قانونی "تحریک حاد" که در دادگاه‌ها در رابطه با قتل‌های زنان به تبرئه قاتلان و تخفیف مجازات آنان می‌انجامد - با این استدلال که زنان خودشان قاتلان را تحریک کرده‌اند و باعث قتل خودشان شده‌اند - و این عملکرد "قانونی"، دادگاه را در جایگاه شریک جرم قاتلان می‌نشانند. نمونه اخیر عملکرد سیستم قضائی حکمی است که

درباره «ن.چ» صادر شد که وقتی سیزده ساله بود در طول یک سال ۲۷ مرد به او تجاوز کرده بودند. شعبه یک دادگاه شهر ماردين (شرق ترکیه) تشخیص داد که چون او میلی به ممانعت از این تجاوزات نداشته پس خودش رضایت داشته و در نتیجه برای متهمان حداقل مجازات را تعیین کرد که از یک سال و هشت ماه تا پنج سال بود. علاوه بر این (HSYK) "شورای عالی قضات و دادستان های ترکیه" در ماه سپتمبر امسال در یک گزارش رسمی پیشنهاد کرد برای کم شدن حجم کار دادگاه ها، زنان با متجاوزان خود ازدواج کنند تا پرونده های «تجاوزات جنسی» زودتر بسته شوند!! و نیز حذف تنبیه مردان در صورت ایجاد رابطه جنسی با کودکان زیر ۱۵ سال با "رضایت" کودک و همچنین منسوخ کردن ارزیابی روان پزشکی قربانیان تجاوز جنسی برای کمک به کاهش مجازات متجاوزین نیز در این گزارش مطرح گردید. این پیشنهادات ذهنیت زن ستیز و مردسالارانه سیستم قضائی دولت حاکم را نشان می دهد.

زن در ایدئولوژی حزب عدالت و توسعه: ایدئولوژی حزب عدالت و توسعه که ۹ سال است در حاکمیت قرار دارد و تمامی دستگاههای دولتی را در اختیار دارد (برخلاف استقلال ظاهرا قانونی آنان) از سه شاخه تغذیه می شود: نئولیبرالیسم در راستای منافع سرمایه داری جهانی، رویکرد کلاسیک ملی گرائی معطوف به دولت- ملت و اسلام سیاسی "معتدل". پروژه ای که مورد هدف حزب عدالت و توسعه است و در همان راستا عمل می کند حبس کردن زن در خانه و خانواده سنتی است و در عین حال استثمار نیروی کار زنانی است که نتوانسته در خانه حبس کند. اردوغان در جلسه ای که در جولای ۲۰۱۱ با برخی از فعالان فمینیست داشت به طور علنی گفته بود به برابری زن و مرد باوری ندارد، او هم در گفتار و هم در عمل خود این هدف و پروژه را پنهان نمی کند. او در ۱۵ جنوری ۲۰۱۱ گفته بود که: «ما محافظه کاریم و ریشه محافظه کاری ما نهاد خانواده است». او چندین بار پیشنهاد "زائیدن حداقل سه بچه" را مطرح کرده است و پنهان نمی کند که زن را تنها به عنوان یک ماشین تولید بچه در نظر می گیرد. حزب عدالت و توسعه که در اکتوبر ۲۰۰۸ پیشنهاد پائین آوردن سن ازدواج زنان از ۱۸ سال به ۱۴ سال را مطرح کرد اخیراً در سال ۲۰۱۱ نام وزارت "زن و خانواده" را به وزارت "خانواده و تأمین اجتماعی" تغییر داد. طبق اخبار منتشر شده در رسانه ها در سال ۲۰۰۶ شهردار توزلا در استانبول که به حزب عدالت و توسعه وابسته است کتابچه ای میان زوج های جوان پخش کرد که در آن عنوان شده بود که دختران در سن ۹ سالگی می توانند ازدواج کنند و مردان تنها از طریق نوشتن یک نامه می توانند از زنتان طلاق بگیرند و همچنین مردان می توانند زنان را در صورتی که اثری بر بدنشان باقی نماند کتک بزنند (۵). ده ها تن از نمایندگان حزب عدالت و توسعه با استفاده از عقد مذهبی که در ترکیه به رسمیت شناخته نمی شود چند همسر برگزیده اند (۶). سوهات کلیچ یکی از این نمایندگان در یک مصاحبه به رسانه ها گفته است: «سه زن داشتن جایز است. ببینید من سه زن دارم و چهارمی را هم می توانم بگیرم». همه این نمونه ها ویژگی "خانواده" ای که حزب عدالت و توسعه سعی در تقویت آن دارد و می خواهد زن را در آن حبس کند، را نشان می دهد.

فمینیسم اسلامی علیه اسلام معتدل: حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۱ از طرف سیاستمدارانی که از حزب رفاه نجم الدین اربکان (که نماینده اسلام سیاسی بود) جدا شده بودند تشکیل شد و بخش مهم گفتمان سیاسی خودش را از طریق مطالبه "آزادی حجاب" اشاعه داد. این حزب از طریق ضدیت علیه ممنوعیت حجاب که مخصوصاً در دهه ۱۹۹۰ تبدیل به یک مسأله اجتماعی بزرگ شده بود حمایت و رأی اقتشار محافظه کار و سنتی را جذب کرد. اما با این حال غیر از این که در بسیاری از دانشگاه ها در سال تحصیلی ۲۰۱۰-۱۱ حجاب آزاد شد، در اماکن دولتی و مجلس هنوز ممنوعیت حجاب ادامه دارد. مسأله حجاب غیر از این که در گفتمان سیاسی حزب عدالت و توسعه نقش

مهمی دارد همچنین در سلسله مراتبی که در خود حزب هم وجود دارد، نیز مؤثر است. در هیأت اجرائی حزب و تشکیلات زنان -از بالا به پائین- تعداد زنان محجبه افزایش می یابد و در حالی که زنان محجبه که در سطوح پائین قرار دارند این ممنوعیت را به عنوان یک مشکل حیاتی که فوری باید حل شود می بینند اما به نظر هیأت مدیره حزب و زنانی که در سطوح بالاتر قرار دارند مسأله ای است که به مرور حل خواهد شد. طبق تحقیقی که از طرف استادان روابط عمومی دانشگاه تکنیک خاورمیانه آنکارا با عنوان "حزب «عدالت و توسعه» و زن" انجام شده است، این که حجاب مانع این است که زنان در حزب به سطح بالاتر بروند و مخصوصاً کاندیدای نمایندگی مجلس بشوند، باعث نارضایتی زنان سنتی حزب شده است. در این تحقیق نشان داده شده است که به عنوان نمونه یکی از رئیس‌ان تشکیلات شهری بخش زنان حزب در حال گریه گفته است نمی داند وقتی در انتخابات آینده زنی که به اندازه او کار و زحمت نکشیده و فقط به خاطر این که محجبه نیست نماینده مجلس می شود چه عکس‌العملی نشان خواهد داد. در نتیجه این وضعیت در انتخابات ۱۲ جون ۲۰۱۱ کمپینی با نام "اگر کاندیدای محجبه نیست، رأی هم نیست" از طرف زنان فمینیست اسلامی همچون سیبل ارسال، هدایت شفقتلی توکسال و جیهان آکتاش تشکیل شد (۷). زنانی که این کمپین را تشکیل دادند نه تنها به حزب عدالت و توسعه بلکه به همه احزاب توصیه کردند کاندیدای محجبه معرفی کنند و عنوان کردند بر این اساس رأی خواهند داد. این کمپین واکنش شدید مردهای حزب عدالت و توسعه را برانگیخت و باعث بحث‌های زیادی شد. علی بولاچ که یکی از نویسندگان روزنامه "زمان" - که با نزدیکی اش به حزب عدالت و توسعه و جماعت فتح الله گولن شناخته می شود- زنانی که این کمپین را تشکیل دادند را به کم شدن رأی‌های حزب و ایجاد شر و تفرقه فمینیستی متهم کرد. بعد از این که در ماه اکتوبر حزب BDP - که به جنبش گرد منسوب است- پیشنهاد قانونی را داد که در مجلس زنان بتوانند از شلوار و روسری استفاده کنند و این طرح از طرف حزب عدالت و توسعه رد شد، نارضایتی فمینیست‌های اسلامی و زنان حزب عدالت و توسعه افزایش یافت. بعضی از زنان در جناح اسلامی مثل عایشه بهورلر در مصاحبه‌های خود با رسانه‌ها گفته است که حاکمیت حزب عدالت و توسعه برای زنان محجبه سودی نداشته است و مردهای جناح اسلامی بعد از به قدرت رسیدن و افزایش سطح رفاه زندگیشان، زنان محجبه ای که باعث قدرت‌گیری آنان شدند را فراموش کردند و از اقتدار خود برای برگزیدن زن‌های دیگری که بی حجاب هستند استفاده کردند (۸).

سخن پایانی

بررسی ترکیه تحت حاکمیت حزب عدالت و توسعه این نظر را تقویت می کند که مذهب چه در شکل تند و تیز و بنیادگرایانه اش و چه در شکل معتدل و میانه روانه اش باید بتواند نیروی کار "مسلمان" و منابع متعلق به آنان را در کشورهای "مسلمان" با هزینه و اصطکاک اجتماعی کمتری در چهارچوب منافع سرمایه داری جهانی قرار دهد و انتخاب، به کارگیری و قدرت‌گیری هر کدام از اشکال بنیادگرائی مذهبی یا رفرمیسم مذهبی تابعی از این منافع مشخص است که با رویکرد تحلیلی تضاد دوگانه سنت-مدرنیته قابل توضیح نیست. دلسردی فمینیسم اسلامی از حزب عدالت و توسعه به عنوان یک حزب میانه رو و محافظه کار اسلامی و همچنین تغییرات درونی ناگهانی اخوان المسلمین در مصر و نقشی که در چهارچوب منافع امریکا و سرمایه داری جهانی در مصر نمایندگی می کند (۹) نشان دهنده کارکرد سیاسی-اقتصادی مذهب در کشورهای "اسلامی" است و نقش مهمی در کنترل بحران‌های این کشورها بازی می کند و تضمینی برای حفظ منافع سرمایه داری جهانی است. تحلیل بحران درونی حکومت جمهوری اسلامی و جدال‌های جناحین حکومت هم از این زاویه قابل بررسی و تحلیل است.

پی نوشت ها:

(۱). مقالات متعددی را می توان به عنوان نمونه در اینجا ذکر کرد که تنها به تعدادی از آنان اشاره می کنیم:
نظر کاظم علمداری را در این آدرس ببینید:

<http://www.iran-emrooz.net/index.php?/politic/more/33007/>

نظر فرخ نگهدار در این آدرس ببینید: <http://www.negahdar.net/index.php/article/195>

نظر نوشابه امیری را در این آدرس ببینید: <http://www.roozonline.com/persian/opinion/opinion-article/archive/2011/october/31/article/-88d4a17d8f.html>

مصطفی تاجزاده در چند مقاله اخیرش بدون استثنا به مدل ترکیه توجه نشان داده است. به عنوان مثال نگاه کنید به:
<http://www.kaleme.com/1390/06/02/klm-70526/>

و همچنین نقدی که ما به تاجزاده نوشتیم را در این آدرس ببینید:

<http://shorajevanan.com/2011/08/26/%D8%BA%D8%B4-%D9%88-%D8%B6%D8%B9%D9%81-%D8%B3%D8%A8%D8%B2-%D9%88-%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D9%87-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%DB%8C-%DA%A9%DB%8C%DA%A9-%D8%A7%D9%86%D8%AA%D8%AE%D8%A7%D8%A8%D8%A7%D8%AA/>

(۲). به قول حامد شهیدیان فمینیست های اسلامی نیز در بهترین حالت شرایط گذار از مردسالاری خصوصی به مردسالاری عمومی را فراهم می کنند و نخواهند توانست آلترناتیوی در مقابل مردسالاری کهن و مدرن ارائه بدهند. {به نقل از: شهرزاد مجاب؛ دو دیدگاه در جنبش زنان ایران: رفرمیسم و انقلاب(فمینیسم، سوسیالیسم و تئوری مارکسیستی)، انتشارات پروسه، ص ۱۹.

{http://newprocess2010.files.wordpress.com/2011/06/shahrzad-mojab-ketab_2.pdf}

همچنین مارگوت بدران در مقاله " ظهور یک «فمینیسم سکولار جدید» از پرتو گسترش فمینیسم اسلامی" می نویسد: « فمینیسم اسلامی امروز بر سر یک دوراهی قرار گرفته: یک سو راهی است که به اجتماع محوری فمینیسم اسلامی منتهی می شود و به عنوان یک پروژه انحصاری برای جوامع و خانواده هایی که دارای پیچیدگی های مذهبی هستند، محدود خواهد شد که نشانه های این مدل در «جنبش مساوات» قابل مشاهده است. اما راه دوم یا خط سیر دیگر به چیزی منتهی خواهد شد که به عنوان «فمینیسم سکولار جدید» می توان نام گذارد که به وسیله فمینیسم اسلامی تقویت می شود. زمان آن رسیده که از فمینیسم اسلامی عبور کنیم و فراتر از آن رویم. شگفت آنکه گسترش گرایش به فمینیسم اسلامی، دارد این روند را سرعت می بخشد. فراتر رفتن از فمینیسم اسلامی به این معنا نیست که فمینیسم اسلامی دیگر یک گفتمان مهم باقی نخواهد ماند بلکه این گفتمان به تکامل خود ادامه خواهد داد و در حال حاضر هم دارد در شیوه های بسیار جالبی این اتفاق می افتد. اما در این میان می توان دید که یک فمینیسم نو نیز در حال ظهور است که من آنرا «فمینیسم سکولار جدید» می نامم که شامل مجموعه تفکرات و گفتمان های فمینیستی اسلامی است. این «فمینیسم سکولار جدید» مجدداً بر فراگیر شدن تأکید می کند و از این رو با خودش نیرو و انرژی جدیدی به فمینیسم تزریق می کند.»

اما نکته ای که باید در این جا تأکید کرد این است که خلاف نظر مارگوت بدران باید گفت او تلاش نافرجامی برای نجات دادن پروژه های "فمینیسم اسلامی" می کند و در واقع وقتی مسأله گذار به فمینیسم سکولار نو را مطرح می کند اشاره ای به ناکامی و خطری که از سوی جنبش مساوات در مصر احساس کرده و نیز از طرفی همچنان پروژه "فمینیسم بومی" را تئوریزه و تجویز می کند. در انتهای مقاله اما با یک تناقض روبه رو می شود و این گونه می نویسد:

« این که موفقیت فمینیسم مصری در حوزه خانواده به همان اندازه حوزه عمومی سکولار نبوده است، برمیگردد به عرصه "بزرگتر" در سیاست. چرا که دولت سکولار مصر تغییر و اصلاح در قانون اسلامی خانواده را به نفع خود ندیده است. چرا که این حوزه ای است که حسنی مبارک را در رقابت با مخالفان اسلام گرایش در ضعف قرار می دهد. در واقع قوانین اسلامی خانواده وجه المصلحه ای است بر آمده از ستیز شدید میان رژیم حسنی مبارک و اسلام گرایان که در رقابت میان آنان همچون یک زندانی نزد اسلام گرایان گروگان گرفته شده است. از همین روست که چیزی که امروز فمینیسم مصری نیاز دارد نه گسترش تئوری (یا الهیات رهائی بخش)، بلکه پیوند و حضور بیشتر در حوزه سیاست و سیاست ورزی زنان است. و برای این کار ضروری است که انواع فمینیست ها در حوزه های مختلف تلاش کنند تا یک حرکت فمینیستی سکولار جدید را تنومند و بازسازی کنند.»

توجه به حوزه سیاست و تلاش برای تغییر قانون مثلا در مصر بدون توجه به موانع ساختاری که مثلا حسنی مبارک را در مقابل اسلام گرایان تندرو مجبور به نرمش کرده است درست بعد از سرنگونی مبارک نادرستی تئوری پردازی مارگوت بدران را نشان می دهد. اکنون اخوان المسلمین آشکارا مورد حمایت های پیدا و پنهان غرب قرار دارند و این نکته دقیقا به کارکرد سیاسی-اقتصادی رویکرد مذهبی آنان ارتباط دارد که بیشترین منافع را برای غرب به همراه دارد. تئوری فمینیسم اسلامی در مقاله مارگوت بدران به پروژه فمینیسم سکولار نو تبدیل می شود که در واقع همان فمینیسم اسلامی لیبرال شرمنده است که با بن بست روبه رو شده است چرا که نمی خواهد به سیاست توجهی نشان دهد و آنگاه که مارگوت بدران به نتیجه دخالت گری در سیاست می رسد آشکار است که تنها آن را در چهارچوب فمینیسم لیبرال و تلاش برای دستاوردهای قانونی می بیند.

مقاله مارگوت بدران را در این آدرس ببینید: <http://www.rahesabz.net/story/44547/>

(۳). آمارها از این منبع اخذ شده است:

Sol Haber Portali:Kadin Cinayetleri Son 7 Yilda %1400 Artti:

<http://haber.sol.org.tr/kadinin-gunlugu/kadin-cinayetleri-son-7-yilda-yuzde-1400-artti-haberi-46409>

(۴). رجوع کنید به :

Toplumsal Ozgurluk:Kadin Cinayetleri Neden Artiyor:

http://toplumsalozgurluk.com/index.php?option=com_content&task=view&id=571&Itemid=72

(۵). رجوع کنید به :

Kadina Iz Birakmadan Dayak Atmak Mubah!:

<http://arsiv.sabah.com.tr/2006/05/02/gun120.html>

(۶). رجوع کنید به:

Cumhuriyet: Basbakana 3 Esli Danisman: <http://www.cumhuriyet.com.tr/?hn=163242>

(۷). رجوع کنید به:

<http://www.timeturk.com/tr/2011/04/03/basortulu-aday-yoksa-oy-da-yok-kavgasi.html>

<http://haber.sol.org.tr/kadinin-gunlugu/kadin-cinayetleri-son-7-yilda-yuzde-1400-artti-haberi-46409>

(۸). رجوع کنید به:

<http://ahmettulgar.wordpress.com/2011/11/05/ayse-bohurler-iktidar-olmak-basortulu-kadinlar-icin-cok-sey-degistirmedi>

http://www.sacitaslan.com/medya-ayse-bohurler-ikinci-kadin-icin-islami-kullandilar_38731.html

(۹). به مقاله "بهار عربی" نوشته سمیر امین در این منبع مراجعه کنید:

<http://www.sobh-emrooz.com/archives/1952>